**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**فهرست مطالب :**

[جایگاه تعزیر 1](#_Toc428280746)

[انواع سحرة 2](#_Toc428280747)

[اتخاذ مبنا 2](#_Toc428280748)

[لزوم مراجعه به محکمه 2](#_Toc428280749)

[کیفیت قتل در این باب 2](#_Toc428280750)

[طریق اثبات در این مقام 3](#_Toc428280751)

[فرضیه اقرار مرتین در این باب 3](#_Toc428280752)

[پاسخ فرضیه فوق 3](#_Toc428280753)

[مثبت سوم: شهادت عادلین 3](#_Toc428280754)

[حکم تعلیم سحر 4](#_Toc428280755)

[اتخاذ مبنا 4](#_Toc428280756)

# جایگاه تعزیر

در جلسه سابق این بحث موردبررسی قرار گرفت که آیا در قبال مطلق معاصی تعزیر ثابت است یا در قبال گناهان کبیره؟ در این زمینه سه قول وجود داشت که یکی از آن‌ها قائل به‌تفصیل در این مسئله بود و مشهور قائل بودند که در مطلق معاصی کبیره تعزیر ثابت است.

اما اینکه در ساحر نیز تعزیر ثابت است؟ موردبحث و محل اختلاف است. منشأ این اختلاف قاعده‌ای بود که ذکر شد، چراکه دلیل خاصی در قبال تعزیر وجود ندارد.

## انواع سحره

ساحران دو گونه‌اند؛ برخی سحر را حلال می‌شمارند و برخی نیز مستحل آن نیستند. ظاهر کلام شهید در لمعه این است که حکم برای ساحری است که سحر را حلال برمی‌شمرد. اما مشهور بین این دو فرقی قائل نیستند.

## اتخاذ مبنا

حق این است که بین این دو فرقی وجود ندارد. چراکه در روایات اثری از تفریق بین این دو قسم مشاهده نمی‌شود.

### لزوم مراجعه به محکمه

فرع چهارم ذیل این بحث این است که آیا برای قتل باید به محکمه مراجعه بشود یا اینکه خود شخص می‌تواند اقدام کند؟ ظاهر قضیه این است که خود شخص نمی‌تواند اقدام کند و باید به محکمه مراجعه بکند. برای اینکه اصل در حدود این است که از ناحیه حاکم و سلطان ثابت و از ناحیه او اجرا بشود. مواردی که از این حکم پیروی نمی‌کند تابع دلیل خاص است.

### کیفیت قتل در این باب

فرع پنجم این است که آیا برای این قتل کیفیتی وجود دارد؟ در روایتی آمده بود که؛ با شمشیر کشته می‌شود ...اما آن روایت دچار ضعف سندی بود. لذا در اینجا نیز باید به نوع متعارف از قتل اکتفا شود.

### طریق اثبات در این مقام

فرع ششم، این است که این حکم از چه طریقی اثبات می‌شود؟ آیا با یک‌بار سحر ساحر اثبات می‌گردد؟ یک‌راه در اینجا علم قاضی است بنا بر مبنای قبول حجیت علم قاضی. راه دوم اقرار است که یک طریق عقلایی است و متکی بر قاعده حجیت اقرار عقلا بر انفسشان است. سابقاً گفته شد وجود یک‌بار اقرار مگر در موارد استثناء شده کفایت می‌کند، در اینجا نیز به خاطر نبود دلیل خاص به همان یک‌بار اکتفا می‌شود. اما امام قائل هستند که احتیاط در این مقام بر اقرار مرتین است.

### فرضیه اقرار مرتین در این باب

البته ممکن کسی قائل شود که اقرار درواقع همان شهادت بر نفس است و ازآنجایی‌که شهادت در باب قضا باید دو نفر باشند در اینجا نیز لازم است اقرار دو بار صورت گیرد.

### پاسخ فرضیه فوق

اما پاسخ این فرضیه این‌گونه بوده که حجیت اقرار در این باب از حیث شهادت نبوده بلکه از جهت پذیرش آن عند العقلا است. لذا این احتیاط وجهی ندارد.

#### مثبت سوم: شهادت عادلین

مثبت سوم هم شهادت دو عادل است، این مورد نیز دلیل خاص نمی‌خواهد. چون ادله مطلق وجود دارد که در باب قضا می‌توانید به بینه اعتماد کنید. منتها اینجا به‌خصوص در روایت زید بن علی آمده بود که؛

**«عَنْهُ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ عَنْ أَبِی الْجَوْزَاءِ عَنِ الْحُسَینِ بْنِ عُلْوَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ عَنْ زَیدِ بْنِ عَلِی عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ: سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ص- عَنِ السَّاحِرِ فَقَالَ إِذَا جَاءَ رَجُلَانِ عَدْلَانِ فَیشْهَدَانِ عَلَیهِ فَقَدْ حَلَّ دَمُهُ.»[[1]](#footnote-1)**

#### حکم تعلیم سحر

فرع هفتم ذیل این مسئله این است که ظاهر روایت این است که تعلم سحر هم حکمش قتل است. آیا حکم این‌طور است؟

معمولاً می‌گویند نه، منتها روایتی داریم که ظهور اولیه‌اش این است. این روایت در همین باب ابواب بقیه حدود، باب سوم حدیث دوم، صفحه سیصد و هفتادوهشت است؛ البته در قبال غیاث بن کلوب در سند این روایت بحثی وجود دارد. ولی درمجموع راه توثیقی برای آن هست و توثیقی در شیخ وجود دارد که با آن طریق می‌شود ایشان را تصحیح کرد، لذا درمجموع سندش درست است؛

**«وَ عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَی الْخَشَّابِ عَنْ غِیاثِ بْنِ کلُّوبِ بْنِ قَیسٍ الْبَجَلِی عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِیهِ أَنَّ عَلِیاً ع کانَ یقُولُ مَنْ تَعَلَّمَ شَیئاً مِنَ السِّحْرِ کانَ آخِرَ عَهْدِهِ بِرَبِّهِ- وَ حَدُّهُ الْقَتْلُ إِلَّا أَنْ یتُوبَ الْحَدِیثَ.»[[2]](#footnote-2)**

کسی که سحر یاد بگیرد آخرین عهد او باخدا این یادگیری سحر است. یعنی با فراگرفتن سحر عهد و ولایت او باخدا قطع می‌شود. ظاهرش این است که تعلم سحر هم حکمش قتل است. نه خود سحر، بلکه تعلم سحر حکمش قتل است.

#### اتخاذ مبنا

در حقیقت این روایات از تعلیم سحر انصراف دارد و تعلیم آن درجایی گناه است که با آن قصد اضرار به فردی وجود داشته باشد. بنابراین صرف تعلم آن حرمت ندارد. در قبال وجود تعزیر در این زمینه در کلمات علماء اختلافی وجود دارد، سر این اختلاف نیز نبود دلیلی بر تعزیر در این باب است، پس باید به قواعد تعزیر که بیان شد رجوع کنیم.

1. **تهذیب الأحکام؛ ج 6، ص: 283** [↑](#footnote-ref-1)
2. **وسائل الشیعة؛ ج 28، ص: 367** [↑](#footnote-ref-2)